الباب التاسع من الواحد الخامس فی ان یذکر فی کل شیئ…

حضرت باب

اصلی فارسی



## **الباب التاسع من الواحد الخامس** فی ان یذکر فی کل شیئ اذا اراد ان یستعمله اسم من اسماء الله سرا او جهرا او التفاتا.

ملخص این باب آنکه از آن جائی که هیچ شیئ شیئیت ندارد الا بالله عز و جل و یومی از برای او مقدر شده که در منتهای کمال خود رسد که ما فی الامکان او بالفعل در او ظاهر گردد و آن وقت لایق میگردد که اسم الله بر او ذکر شود در حد او نه در فوق رتبه او و از آنجائی که اهل بیان را خداوند امر فرموده که کل شیئ را بمنتهای کمال خود ظاهر گردانند اذن فرموده ایشان را که هر شیئ را بحروف اسم او باسماء الله جل و عز خوانده شود که هیچ نفسی در هیچ شیئ نبیند الا طلعت ظهور مشیت را که در او دیده نمیشود الا الله

مثلا منتهی الیه رتبه جماد سنگ است در سین او نببیند الا سبوح و در نون او الا نور را و در کاف او الا کریم را چه ذکر کند بقول یا چه خطور کند بقلب او یا آنکه التفات کند بر او بغیر آنکه بلسان گوید یا بقلب خود خطور دهد و اگر نتواند بذکر”بسم الله الامنع الاقدس“ ذکر کند که خداوند جل و عز از او قبول میفرماید آنچه را که اراده فرموده در این امر که هیچ شیئ در او دیده نشود الا ”من یظهره الله“ که مبدأ اسماء و صفات الهی است بلکه در یوم ظهور آن شمس حقیقت هیچ صاحب انیتی اظهار انیت خود نکند و در خود نبیند الا او را که او قائم باو بوده وهست

نه این است که تواند او را در خود دید بلکه مثل او مثل مرآتی است که در مقابل شمس واقع شود شمس را در خود می بیند و حال آنکه شبح او است کل ما یقع علیه اسم شیئ را در نزد ”من یظهره الله“ همین قسم تصور کن از عالم تجرد گرفته تا منتها الیه تحدد که آنچه در او است از شبح شمس ظهور او است قبل از ظهور او زیرا که لم یزل غیر او ظاهری نبوده و نخواهد بود

و دوست میدارد یومی که ظاهر گردد نه بیند در علم خود الا آنکه کل بمنتهی الیه کمال خود در بیان عروج نموده ونیست ذره طینی در قعر بحری الا آنکه او مالک او گشته از نفس مؤمنین از خلق محبوب او و کل مرایائی گشته اند از برای استعداد طلوع شمس که بمجرد اشراق ضیاء او که آیات او است کل دلالت کنند بر او این است ثمرۀ این حکم اگر نفسی تعقل نماید

و الله ینور قلوب عباده المتقین.

